**١٤ - آداب نسبت به والدین [[1]](#footnote-1)**

از حضرت بهاءالله در لوحی راجع به اولاد است قوله الاعلی : در باره اطفال ابداً محزون نباشند چه که هر نفسی که به حق اقبال نموده وارث او حق بوده و خواهد بود اولاد فی الحقیقه از برای ذکر خیر است و کدام ذکر خیر است که بر ذکر حق سبقت نماید هر ذکری که ازو در الواح شده بمنزله هزار خلَف صالح است از برای او که در راه خدا انفاق جان و مال نموده باشد قل ان اشکروا یا احبّائی بهذا الفضل و قولوا لک الحمد یا الهَ العالمین .

و از حضرت نقطه است . قوله الاعلی : فرض اَن ترضی عن والدیْک و اِن ظلماک ولا تقلْ لهما افّ و لا تنهرْ هما و تطعهما فی ما اراد قبلَ اَنْ یسألا عنک و انّ طاعتهما کان احبّ لدی من الثلج فی صدرک فی یوم الحرّ و لوانّ احدَ هما یسخطک فی شیئی فانت فی مقابلة سخطه فاظهرْ رضاک عنه من سخطِه لا یقعْ بقلبه قدَر خردل حزنٍ منک و انّ امَر هما لو لم یکن فی معصیتة الرّبّ لاکبر عند اللّه من کلّ الحسنات و ارضهما عن نفسک فانّ رضائهما هو رضاء الرّبّ جلّ سبحانه .

و از حضرت بهاءالله در لوحی است قوله جلّ و عزّ : ذکر والد نمودی امروز جمیع نسبتها منقطع است انشاء الله جهد نمائی تا نسبتت بحق شود ولکن باید با پدر بکمال محبّت رفتار نمائی امری که سبب ضرّ امر اوست و یا علّت حزن او ارتکاب آن محبوب نه کذلک ینصحُک لسان المظلوم فی سجنه العظیم این حکم محکم در اوّل ایّام در کتاب الهی از قلم حقیقی ثبت شده ان اعمل و کن من الصّابرین .

و قوله الاعلی : اعظم از کلّ بعد از توحید باری جلّ و عزّ مراعات حقوق والدین است .

و قوله الاعزّ المنع : انّا کتبنا لکلّ ابنٍ خدمةَ ابیه کذلک قدّرنا الامر فی الکتاب .

و قوله الاجلّ الابدع : انّا وصیّناکم فی کتاب اللّه اَن لا تعبدوا الّا اللّه و بالوالدین احساناً. . . قل یا قوم عززّوا ابویکم و وقّروهما و بذلک ینزلُ الخیرُ علیکم مِن سحابِ رحمة ربّکم العلیّ العظیم ایّاکم اَن ترتکبوا ما یحزن به آبائکم و امّهاتکم ان اسلکوا سبل الحقّ و انّه لسبیل مستقیم و ان یخیّرکم احد فی خدمتی و خدمة آبائکم و امّهاتکم ان اختاروا خدمتهم ثمّ اتخذوا بها الیّ سبیل.

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : پسر باید چنین مهر پرور باشد و ابوین راپرستش نماید از راحت خویش بگذرد و در فکر آسایش بیگانه و خویش باشد .

1. در قرآن است قوله . و قضی ربّک الاّ تعبدوا الّا ایّاه و بالوالدین احساناً اِمّا یبلُغَنّ عندک الکِبَرَ احدُ هما اوکلا هما فلا تقلْ لهما افٍّ و لا تنهرْ هما و قل لهما قولاً کریماً و اخفِض لهما جَناحَ الذّل من الرّحمة و قل ربِّ ارحمْهما کما ربّیانی صغیراً و قوله . و وصّینا الإنسان بوالدیه احساناً حملته امّه کرهاً و وضعته کرهاً و حملهُ و فصالُه ثلثون شهراً عن ابی هریر مرضی اللّه عنه قال جاءَ رجلٌ الی رسول الله صلّی اللّه علیه و سلّم فقال یا رسولَ اللّه من احقّ بحسن صحابتی قال امّک قال ثم من قال امک قال ثم من قال ابوک . رواه البخاری و مسلم روی انّ رجلاً قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه و سلّم انّ ابویّ بلغامن الکِبر انی الی منهما ما و لیاء منّی فی الصّغر فهل قضیتُ حقّهما قال فانهما کانا یفعلان ذلک و هما یحبّان بقائک و انت تفعل ذلک و ترید موتهما . و فی الحدیث : قل لعاق والدیه یفعل مایشاء فانّ مصیرَه الی النّار و العقوق عدم الِبرّ بالوالدین و الوالد عاق . و در تورات است . اکرم اباک و امک لکی تطول ایّامک علی الارض یعطیک الربّ الهک . . . و من ضرب اباه او امّه یقتل قتلاً. . . کل انسان سبّ اباه او امّه فانّه یقتل قد سبّ اباه او امّه فدمه علیه . با پدر و مادر خود مؤدّب و فرمانبردار باش و بسخنان آنان گوش فراده زیرا تا پدر و مادر زنده‌اند فرزند چون شیری است که در بیشه باشد و از هیچ نترسد ولی چون پدر و مادر در گذرند چون بیوه زنی است که در زیر دست دیگران گردد و هر چه از او بستانند دم نتواند زد ( اندرز آذر آباد ) [↑](#footnote-ref-1)